

## زن در فولکلور آذربایجان

### سمیه بدلی

مردم آذربایجان هم مانند دیگر ملت‌های جهان دارای گنجینه‌ی پایان‌ناپذیری از ادبیات فولکلوریک می‌باشد. این نوع از ادبیات که طی قرون و اعصار متمادی به وجود آمده، آئینه‌ی تمام‌نمای زندگی مادی و معنوی مردم این سرزمین بوده و با مطالعه‌ی آن می‌توان درباره‌ی گذشته‌ی پر فراز و نشیب مردم دلاور و قهرمان آن تصویر روشنی به دست آورد.

ادبیات شفاهی مردم آذربایجان یا همان ادبیات فولکلوریک مردم آذربایجان به قسمت‌های مختلفی تقسیم می‌شود که از آن جمله می‌توان به سرودها و ترانه‌های مخصوص کار و مخصوص مراسم زندگی روزانه اشاره کرد و همچنین نمایش‌های عامیانه مردم آذربایجان هم از جمله نمایش‌های فولکلوریک این سرزمین می‌باشد که در کل به سه دسته نمایش‌های مربوط به مراسم، نمایش‌های اجتماعی و نمایش‌های مربوط به زندگی و خانواده تقسیم می‌شود. از دیگر نمونه‌های فولکلوریک مردم آذربایجان قصه‌ها، معماها، لطیفه‌ها، بیات‌ها و داستان‌ها می‌باشند که هر کدام از اینها به گونه‌ای نشان‌دهنده کاربرد ادبیات فولکلوریک در آذربایجان می‌باشد که فرهنگ و سنت و عادات مردم آذربایجان را هر کدام به گونه‌ای مطرح کرده‌اند.

### سیمای زن در داستانهای آذربایجان

داستان‌های آذربایجان به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست داستان‌های حماسی‌اند که داستان‌های دده قورقود و کوراغلو از آن جمله‌اند. دسته‌ی دیگر، داستان‌های صرفاً عاشقانه‌اند و دسته‌ی دیگر داستان‌های حماسی-عشقی هستند. اگر در داستان‌های حماسی، زنان همدوش مردان در میدان جنگ هم‌اورد می‌طلبند، در داستان‌های عاشقانه به محبت و صداقت وفادارند و در داستان‌های حماسی-عشقی ضمن آنکه دل به مهر و محبت بسته‌اند، از هنر شمشیر نیز بهره‌ای دارند. قهرمانان اصلی داستان‌های عشقی چهره‌هایی هستند که حرمان و حسرت، هجر و درد را تحمل می‌کنند؛ اگر سالجان خاتون، بانو چیچک، نگار و هجر دست به شمشیر و سلاح می‌برند تا مانع وصال را از بین ببرند، اصلی، پری، شاه صنم، سارا و گولگز با ارائه‌ی هنر ساز و سخن و با رفتار انسانی و فداکاری به مبارزه برمی‌خیزند. اصلی دختر مسیحی است که دل به عشق کرم مسلمان می‌بندد و بدین عشق وفادار می‌ماند. سارا خود را به رودخانه‌ی پر خروش می‌اندازد تا از نجابت، صمیمیت، پاکی و زیبایی زن، اسطوره بسازد و برآستی که این قهرمانان با زندگی خود به زندگی مردم ایل خویش رنگی از طایفه، محبت و زیبایی زده‌اند.

داستان‌ها را عاشیق‌ها روایت می‌کنند و در حقیقت از مردم می‌گیرند، بدان رنگ و جلای هنری می‌زنند و به خود مردم بر می‌گردانند. عاشیق‌ها زبان گویای فرهنگ، عاطفه و نیاز معنوی و روحی مردمند. آنان با قصه‌هایشان مرحم بر زخم مردم می‌نهند، دیار به دیار در میان ایل می‌گردند با سازی در دست از غصه‌ها قصه می‌سازند و دلاوری‌ها و فداکاری‌های مردم را به صورت

داستان بیان می کنند. آنان را به روشنایی، حق و عدالت، صراحت، حرمت به انسان ها، وفاداری به عشق، انسان دوستی، وطن پرستی و ... فرا می خوانند.

### الف) سیمای زن در حماسه ی کوراوغلو

حماسه های کوراوغلو درباره ی شیر زنان و دلاور مردانی است که پیروزی های پر شکوه آنان موجب ماندگار شدن این مجموعه حماسه ها شده است و می توان ادعا کرد که در میان آثار ستایش آمیز فولکلور مردم جهان، داستان های کوراوغلوی آذربایجان از با شکوه ترین آنهاست.

یک دسته از انسانهای حماسه ی کوراوغلو را زنان تشکیل می دهند، از آن جمله می توان از شیر زنانی چون نیگار، تئلی، رقیه، محبوبه، دونیا و ... یاد کرد که این نشان دهنده ی آن است که در حماسه ی کوراوغلو زنان نیز شرکت داشته اند. در این حماسه قهرمانیها و مبارزات زنان به زیبایی به قلم کشیده می شود و یکی از چهره هایی که در این حماسه به طور همه جانبه و کامل از آن صحبت می شود، نیگار خانم است. او همسر وفادار کوراوغلو و مادری مهربان برای همه ی قهرمانان چنلی بئل است. داستان عشقی - حماسی کوراوغلو و نیگار یکی از جذاب ترین داستان های این مجموعه ی حماسی است. نیگار دختر سلطان عثمانی است که زندگی اشرافی و تملق و چاپلوسی و فساد می گذرد او را به تنگ آورده و با شنیدن آوازه ی کوراوغلو و جامعه ی آرمانی چنلی بئل شوق رسیدن بدان سرزمین را در وجود او بیدار کرده است. پس نامه ای به کوراوغلو می نویسد و از او می خواهد که اگر جوانمردی است که آوازه اش همه جا را پر کرده است و دلاوری است که بیمی از سلطان ندارد، بیاید و او را همراه خود ببرد و کوراوغلو با لباس اوزان ها بدن جا می آید و بعد از رزمی جانانه همراه با نیگار به چنلی بئل برمی گردد. نیگار همسر کوراوغلو می شود و جنگجویی دلاور که در تمامی جنگها همراه با کوراوغلو شمشیر به دست می گیرد و بر علیه دشمنان می جنگد.

علاوه بر نیگار زنان دیگری نیز هستند که با عشق و علاقه ی خود و بنا به خواسته ی خود به چنلی بئل، جایی که برایشان آزادی و حقوق مساوی با مردان وجود دارد می آیند و همراه با قهرمانان طریق درست زندگی را در پیش می گیرند. زنان در محل زندگی قبلی خود همیشه چادر به سر دارند، اما بعد از اینکه به چنلی بئل می آیند همگی حجاب از چهره ی خود برمی دارند، آنان با مردان در یک مجلس می نشینند، می خورند، می نوشند، و هم پایه با مردان اظهار نظر می کنند و در مشورت ها شرکت می جویند. به این ترتیب زنان قسمتی از مردم برابر چنلی بئل را تشکیل می دهند که این موضوع یکی از برتری های بزرگ منظومه ی کوراوغلو می باشد.

داستان های عشقی زنان چنلی بئل با حماسه های ملی میهنی نیز آمیخته است، چرا که این زنان صرفاً به خاطر مرد، پا به این سرزمین ننهاده اند، بلکه مبارزه ی دلاوران چنلی بئل و آوازه ی تساوی و برابری زن و مرد در این سرزمین چنان شوری در دلشان آفریده است که اکثراً زندگی پرتجمل و اشرافی و آرامش پر از تزویر و قساوت را کنار زده و زندگی توأم با بیم و امید و سرشار از عشق و مبارزه را بدن ترجیح داده اند.

این داستان های حماسی که آفریده ی مردم آذربایجان است، در حقیقت ترنم خواسته های آنان نیز می باشد و در حقیقت با خلق چهره های زنان نجیب و شرافتمند چنلی بئلی به مبارزه با فرهنگی برخاسته اند که به زنان به دیده ی تحقیر می نگرند و به قابلیت های انسانی آنان ارج نمی نهند.

### ب) سیمای زن در اسطوره ی دده قورقود

زن خالق و مادر انسانها و به عنوان نیمی از حیات از احترام خاصی در میان ترکان برخوردار است. آنچه در داستانها، افسانه ها و ادبیات فولکوریک مردم آذربایجان در شأن و شرف زن آمده است، شاهد این مدعاست. کتاب ارزشمند دده قورقود به عنوان نخستین و قدیمی ترین اثر مدون آذربایجان - که تاریخ آفرینش آن به دوران آغازین پدرسالاری مربوط می شود - نشان می دهد که زن از نظر موقعیت اجتماعی ارزشی همانند مرد دارد. در این اثر زن سیمای برجسته ای دارد و کانون اصلی خانواده و قبیله را تشکیل می دهد و مرد به عنوان رئیس خانواده و قبیله همواره با مشورت و همیاری زن قادر به انجام وظیفه رهبری است. سیمای زن در تمامی داستانهای این اثر قابل تأمل و تفکر است.

کتاب دده قورقود قدیمی ترین سند از فرهنگ ترکی در ایران است و در این کتاب در کنار قهرمانان مرد، زنان قهرمان نیز وجود دارند. اصولاً سیمای زن در کتاب دده قورقود ارزشمند و مثبت است و خالی از لطف نیست.

از مهم ترین داستانهای کتاب دده قورقود توصیف زنان اوغوز می باشد. زنان قبیله ی اوغوز نمونه ی پاک و فداکاری بودند. حفظ آبرو و شرف خانواده و همچنین صبر و شکیبایی به هنگام گرفتاری و مشکلات یار و غمخوار همسر و فرزندان از ویژگی های فرهنگی و سجایای روحی در زمره ی منش های قومی آنان بود. زنان قبیله ی اوغوز با حفظ فضیلت انسانی و عزت نفس و شهامت و دلاوری خود، از موقعیت های بلند و احترام آمیز برخوردار بوده و در بیشتر عرصه های زندگی هم شأن و برابر با مردان اند. طبق شواهد تاریخی در میان اوغوزها یکی از شرایط انتخاب همسر، همورد بودن دختر و پسر در فنون اسب سواری، تیر اندازی، شمشیر بازی و کشتی گیری بوده است. زنانی که در این اجتماع ایلی تصویر می شوند جسور، دلیر، با شهامت و مبارز هستند. شخصیت های زن در این داستانهای حماسی برارنده، با شکوه و فراموش نشدنی و در عین حال پر غرور و دلاور و پیکار جو هستند. در کتاب دده قورقود شیر زنانی چون «بورلاخاتون»، «سولجان خاتون»، «چیچک بانو» و دیگر زنان جسور اوغوز شخصاً در نبرد بر علیه دشمن به پا بر می خیزند و سرانجام موفق و پیروز هم می شوند.

بورلا خاتون همسر قازان خان، بانوی بلند بالا و زیبایی است که از لیاقت و کاردانی و تدبیر بسیار بهره مند است و یکی از نقش های اجتماعی او رهبری انجمن های زنان قبیله می باشد. این زنان از حقوق و آزادیهای کافی بر خوردار بودند. آنها بیشتر روزهای عمر خود را در محدوده ی چادرهای ایل سپری نکرده و خود را محبوس در آن نمی نمودند، بلکه پا به پای مردان قبیله در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی شرکت می جستند و به هیچ وجه سربار خانواده محسوب نمی شدند. بورلا خاتون زنی است که در عین برخورداری از زیبایی و آراستگی، به خاطر دلاوری ها و مهارت های جنگی نیز زبانزد افراد قبیله

گردیده است. شجاعت این بانوی مبارز به اندازه ای بود که حتی پهلوانان سهمگینی مانند «قوغان» را نیز طی نبرد سختی از پای در می آورد.

زنان کارآزموده و شکارگر اوغوز که مهارت خاصی در تیر اندازی و اسب سواری و به دام انداختن چهار پایان وحشی و پرندگان داشتند، به گونه ای آزاد و فارغ از قید و بند های آزار دهنده و تحمیلی می زیستند.

### سیمای زن در بایاتی های آذربایجان

بایاتی ها یکی از قسمتهای بسیار مهم فولکلور مردم آذربایجان است. وقتی کلمه ی بایاتی به فکر انسان خطور می کند، بی شک کلمه ی یار(دوست) نیز همراه آن است، به طوری که بیشتر بایاتی های آذربایجان درباره ی یار(دوست) می باشد. صدها و هزاران بایاتی در میان قوم های مختلف، روستائیان و حتی در شهرها وجود دارند و جمع آوری آنها برای آنهایی که علاقه مند بایاتی هستند، وظیفه محسوب می شود.

بایاتی ها در طی سالیان دراز به طور مداوم سینه به سینه و نسل به نسل نقل شده و بدون زحمت به دست ما رسیده اند، ولی افسوس که ما به اندازه ی کافی ارزش این بایاتی ها را ندانسته و نمی توانیم آنها را زنده کنیم.

قابل ذکر است که پدربزرگان و مادربزرگان ما، در زندگی و آرزوهای خود، خوشحالی و غم های خود، وطن و غربت، ثروت و فقر، امید و مایوسی خود و... را در بایاتی ها جای داده اند و برای ما به ارث گذاشته اند.

در گذشته، در زمستانها خانواده ها دور کرسی می نشستند و از پدران و مادران پیر خود می خواستند که بایاتی، داستان و چیستان بگویند و آنها نیز برای خوشحال کردن فرزندان خود، بایاتی های زیبا و خوشایند را نقل می کردند.

بایاتی ها از نظر محتوا و مضمون همچون آینه صاف و همچون چشمه ی جوشان شفاف است که در آنها اعتقادات و باورها، خصلت ها، رسم ها و آئین ها جمع شده اند.

همانطور که گفتیم بیشتر بایاتی های آذربایجان در مورد یار می باشد که در زیر به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

اوتای بوتایا باخیر

آراسیدان چای آخیر

کور اولسون منیم گۆزوم

سنسین دونیایه باخیر

آلماسی دیلیم دیلیم

آلتیندا یاشیل گیلیم

قارشى ائوده گۆرونور

سورمه لی گۆزلی گلین

آغاجدا بارا باخماز  
آی آشماز بولود آشماز  
هیوایا، نارا باخماز  
آی بولودا قاریشماز

گۆز لریم سنی گۆز لر  
منیم یاریم بوردا یوخ  
آیری بیر یارا باخماز  
منه گولمک یاراشماز

بوداغدا ایلان اولماز  
دردیمی بیلن اولماز  
آغلارام یار یولوندا  
گۆزومو سیلن اولماز

باغداد دا خرمالیق لار  
شط ده اوینار بالیق لار  
نه بئله سنؤدا اولسون  
نه بئله آیریلیقلار

همان طوری که دیدیم اکثر بایاتی های آذربایجان در مورد زیبایی، جدایی، وفاداری، محبت و ... می باشد که در اینجا فقط به چند مورد از آنها اشاره کردیم. ولی بی شک اگر نگرشی وسیع در بایاتی های آذربایجان داشته باشیم، خواهیم دید که همه ی این بایاتی ها در عین زیبایی و جذابیت از لحاظ انتقال تجربیات گذشتگان اهمیت فراوانی دارند.

در پایان لازم به ذکر است این مقاله تنها چکیده ای کوتاه از سیمای زنان در فولکلور آذربایجان می باشد و به طور حتم بر تمام زنان آذربایجان و آنان که به آذربایجان عشق می ورزند، لازم است که در باب این موضوع مطالعه ی دقیق و وسیعی داشته باشند و سیمای واقعی زن آذربایجان را برای دختران و زنان امروز آذربایجان ابراز کنند تا با پیروی از گذشتگان همواره از زنان آذربایجان به عنوان حماسه سازان تاریخ یاد شود.

#### منابع:

- ۱- سیمای زن در فرهنگ و ادب آذربایجان، کریمی، محمدرضا، انتشارات اندیشه ی نو، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۲- آذربایجان بایاتیلاری و اوشاقلار باغچاسینداغنچه لر، نقابی، محمدعلی، نشرمحمد، چاپ چهارم
- ۳- تحلیلی بر حماسه ی کوراغلو، افندیف، پاشا، ترجمه ی فرهمندراد، ش، انتشارات یاشار
- ۴- پژوهشی در اسطوره ی دده قورقود، فرآذین، جوانشیر، انتشارات جامعه پروژه و نشر دانیال، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱